و خبر نوح را بر آنان بخوان، آنگاه که به قوم خود گفت: «اى قوم من، اگر ماندن من [در میان شما] و اندرز دادن من به آیات خدا، بر شما گران آمده است، [بدانید که من‌] بر خدا توکّل کرده‌ام. پس [در] کارتان با شریکان خود همداستان شوید، تا کارتان بر شما ملتبس ننماید سپس در باره من تصمیم بگیرید و مهلتم ندهید.» (71) «و اگر روى گردانیدید، من مزدى از شما نمى‌طلبم. پاداش من جز بر عهده خدا نیست، و مأمورم که از گردن‌نهندگان باشم.» (72) پس او را تکذیب کردند. آنگاه وى را با کسانى که در کشتى همراه او بودند نجات دادیم، و آنان را جانشین [تبهکاران‌] ساختیم، و کسانى را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. پس بنگر که فرجام بیم‌داده‌شدگان چگونه بود. (73) آنگاه، پس از وى رسولانى را به سوى قومشان برانگیختیم، و آنان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولى ایشان بر آن نبودند که به چیزى که قبلاً آن را دروغ شمرده بودند ایمان بیاورند. این گونه ما بر دلهاى تجاوزکاران مُهر مى‌نهیم. (74) سپس، بعد از آنان موسى و هارون را با آیات خود، به سوى فرعون و سران [قوم‌] وى فرستادیم، و[لى آنان‌] گردنکشى کردند و گروهى تبهکار بودند. (75) پس چون حق از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: «قطعاً این سحرى آشکار است.» (76) موسى گفت: «آیا وقتى حق به سوى شما آمد، مى‌گویید: [این سحر است؟] آیا این سحر است؟ و حال آنکه جادوگران رستگار نمى‌شوند.» (77) گفتند: «آیا به سوى ما آمده‌اى تا ما را از شیوه‌اى که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم بازگردانى، و بزرگى در این سرزمین براى شما دو تن باشد؟ ما به شما دو تن ایمان نداریم.» (78)